



۲۰۱۷/۰۱/۲۴

محمد علی سمیع

عطا محمد نور و ارزش مصرفی او نزد جمعیتی های مرکز!

ارگ باید از عطا محمد نور در هراس و اختناق نگه گردد. عطا محمد نور هم همیشه باید خشن، دیوانه مجاز، غول سیاسی و ارگ برانداز باشد. این و فقط همین، یگانه ارزش مصرفی او نزد برادران جمعیتی حوزه کابل او میباشد، همیشه کابل را، بلی حکومت و مخصوصاً ارگ را از آنرو در دست داشته اند، که گویا اگر به ایشان سهم بیش از حد نرسد، پس جلو برنامه های حکومت برانداز و نظام تباه عطا محمد نور را کسی دیگر گرفته نمی تواند.

برادران جمعیتی حوزه کابل همچو بعضی پشتون های شاخه ی درانی عمل میکنند که همیشه می گفتند " اگر رئیس جمهور افغانستان پشتون و از شاخه ی درانی نباشد پس تمامی پشتونها یکجا شده بر خلاف نظام و دولت بر می خیزند و هر آنچه را دریابند برباد میدهند چون ایشان با زعامت درانی ها عادت دارند و دیگران را پذیرفته نمی توانند. یعنی با وجود اینکه همه اتباع افغانستان از چشم انداز حقوقی یکسان اند اما حق و توانائی رییس جمهور بودن و حفظ موازنه ها میان اقوام را تنها و تنها پشتونهای درانی دارند و تنها ایشان می توانند جلو آشوب های حکومت برانداز پشتونها را بگیرند. اما پس از این که اشرف غنی بر کرسی ریاست جمهوری تکیه نمود، همه دانستیم که نظریه های برترخوان و درانی- بزرگ نما، همه افسانه های بودند که عینیت و واقعیت نداشته است. حالا بعضی از برادران جمعیتی حوزه ی کابل که مربوط به شاخه ی مخصوص تاجیکان می باشند و از دوران های مقاومت الی امروز همواره با استفاده از روابط تنگاتنگ دهکده ئی یا منطقوی، بدون اجازه و میدان دهی به دیگران سطح رهبری سیاسی-قومی تاجیکان را در انحصار خود داشته اند. این نخبه گرایی، حق و توانائی معامله های سیاسی زیر نام سهم تاجیکان در دولت و ارگ را تنها و تنها در خود می بینند. وگر چنان نشود پس جلو تحركات آشوبگرانه ی حکومت برانداز تاجیکان را کسی دیگر گرفته نمی تواند و افغانستان دوباره به گودال بدبختی فرو خواهد رفت. در یک و نیم دهه ی گذشته عطا محمد نور، یگانه وسیله ی بوده است که این ادعای ایشان را اندک جنبه ی عملی بخشیده است. ایشان با استفاده و چرخاندن او و یا هم استفاده غیر مستقیم از موضعگیری های تند و آشکار او، به بارگاه قدرت نا تمام تکیه زده اند. حتی هنگامی که بهترین و عاقلترین معامله گر و فعال سیاسی را نداشته اند هم. بناً از همین روست که عطا محمد نور، نزد ایشان بهترین وسیله ی مصرفی بوده نه یار و اندیوال معنوی و اگر او چهره تبدیل نماید و با ارگ همگام شود، پس بساط قدرت بیکران ایشان در کابل برچیده گردیده است.

حال اگر مارشال بر روی استاد شهید و آرمانهای جمعیتی ها و همسنگران خود پا میگذارد و با کرزی یکجا میشود گناه نیست و حق دارد، اگر قانونی از تیم انتخاباتی عبدالله عبدالله در جای مارشال می رود و با ارگ در یک حلقه اتن می نماید هم گناه نیست زیرا این کار را تنها ایشان می میتوانند، اگر احمد ضیا مسعود بر خلاف همه جریان های تاجیکان سیاسی مربوط به حزب جمعیت عمل نموده یک بار معاون اول می شود و با دوم در تیبانی با ارگ و کرزی با زلمی رسول می رود و بعداً نماینده فوق العاده ی ارگ و غنی شود هم قابل قبول است و اگر عبدالله عبدالله دار و ندار همه را به گرو گرفته با ارگ ازدواج سیاسی میکند هم کار عقلانی نموده و جمعیتی ها چیزی نمی گویند، اما اگر شخص عطا محمد نور عین این کار را با ارگ انجام دهد، پس رو به شرف باختگی سیاسی آورده و باید بیاید و به جمعیتی ها در مرکز گزارش دهد و از دوستی با ارگ اجتناب ورزیده به خشن بودن، متمرّد بودن و حکومت برانداز بودن خود ادامه دهد تا برادران حوزه مرکز بتوانند معامله ها کنند و قدرت را و حق تاجیکان را الی ناکجاگاه ها تصاحب نمایند. هر آن تاجیک دیگری که بیرون از این حلقه در دنیای سیاسی افغانستان دست به ایتلاف یا معامله ی بزند، پس بر تاجیک بودن او باید شک نمود، او را مربوط اقوام دیگر خواند و همواره مورد کوچک سازی و کوتاه نمودن دست و پایش باید پرداخت. از همین روست که او برخواسته تا به ارزش مصرفی خود پایان دهد، مطابق خواست مردم و اقشار که او را ارزش معنوی قابل هستند عمل نموده در تصمیم گیری های

د پانوی شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

مرکزی و عمومی عملاً ممثل ایشان گردد. اینکه او برخلاف دیگران در این راستا به چه حد درست و کامیاب میدرخشد را بعداً خواهیم در مقایسه با تیم حاکم فعلی خواهیم سنجید .

حالا با در نظر داشت این همه باید گفت که عطا محمد نور یگانه و اولین شخصیت که بر خلاف معادلات سیاسی حاکم در دو دهه گذشته، سر برافراشته است. او کوشش دارد تا به خود بزرگ بینی های درون قومی و حتی فراقومی، به معنی دیگر نقطه ی پایان گذارد. از آغاز حکومت انتقالی و مؤقت الی آخرین دقایق دور دوم ریاست جمهوری آقای حامد کرزی معادلات و پارامیترهای قدرت، میان قندهاری ها و پنجشیری ها رقم خورده بود. با آمدن اشرف غنی به ارگ یک رخ معادله که قندهاری بودند فرو پاشیده است، حالا ببینیم که با آمدن و گسترش عطا محمد نور از شمال تا ارگ و دیگر سمت های افغانستان، رخ دیگر معادله به چه سرنوشت گرفتار می شود؟ سراسیمگی و هراس نقاط ضعف را برملا می سازد و استقرار فکری و موضعگیری ثابت نمایانگر قدرت می باشد. در حال حاضر عطا محمد نور ثابت و برادران همسنگرش که تازه به مخالفین سیاسی اش تبدیل شده اند بی ثبات تر بنظر

می رسند . خلاصه چنان بنظر می رسد که در حزب جمعیت اسلامی افغانستان مبارزه ی سیاسی مشترک برای اهداف و آرمان های مشترک وجود ندارد، اینجا تنها مبارزه ی مشترک جهت چاق و تیز نمودن اهداف و مقاصد انفرادی و شخصی چهره ها جریان دارد. جالب تر از همه اینکه پشتون ها، اوزبیک ها و هزاره های که در یک و نیم دهه ی گذشته بزرگترین کشیدگی های سیاسی و قومی با عطا محمد نور داشتند، همه خاموش اند و خلاف تمامی اخلاق های سیاسی و حزبی، نزدیک ترین دوستانش که او را برادر، همسنگر، قهرمان و حتی مسعود ثانی خطاب می کردند، به مخالفت و سنگ اندازی بر برنامه های او آغاز نموده اند. یعنی عطا محمد نور هرآنچه به نام مخالف و رقیب سیاسی دارد آن در درون حزب جمعیت و شاخه ی مخصوص که همیشه بر اریکه قدرت بودند میباشد نه در چهار سمت و سو و قوم دیگر !

علی سمیع

محصل پروگرام دوکتورا در دیپارتمنت اقتصاد جهانی پوهنتون کوروینوس بوداپست

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ